

## ٤- صدور سرمايه

صدور کالا صفت مشخصه ي سرمايه دارى سابق بود که در آن رقابت آزاد تسلط کامل داشت. صفت مشخصه ي سرمايه دارى نوين که در آن سيادت با انحصارهاست صدور سرمايه است.

سرمايه دارى عبارتست از توليد کالانى در عالى ترين مرحله ي تکامل آن، يعنى هنگامى که نيروى کارگرى نيز به کالا تبديل مى شود. توسعه ي مبادله در داخل کشور و به خصوص در عرصه ي بين المللى از خصوصيات مميزه و مشخصه سرمايه داريست. ناموزونى و سير جهشى تکامل بنگاه هاى جداگانه و رشته هاى جداگانه ي صنعت و کشورهاى جداگانه در شرايط سرمايه دارى امريست ناگزير. انگلستان ابتدا و مقدم بر ديگران به کشور سرمايه دارى مبدل شد و مقارن نيمه ي قرن نوزدهم با معمول داشتن بازرگانى آزاد مدعى ايفائى نقش «کارگاه تمام جهان» يعنى تحويل دهنده ي مصنوعات به همه ي کشورهاى گرديد که مى بايست در عوض، وى را از لحاظ مواد خام تأمين نمايند. ولى اين موقعيت انحصارى انگلستان در ربيع آخر قرن نوزدهم هم ديگر دچار تزلزل گرديد، زيرا عده اى از کشورهاى ديگر که به وسيله ي مقررات «حمایت» گمرکى از خود دفاع مى کردند تکامل يافته و به کشورهای مستقل سرمايه دارى مبدل شدند. در آستان قرن بيستم ما به شکل ديگرى از انحصارها برخوردارى مى نمايم. اولاً اتحاديه هاى انحصارى سرمايه داران در تمام کشورهاى که سرمايه دارى در آن ها تکامل يافته است؛ ثانياً موقعيت انحصارى معدودى از غنى ترين کشورها که تجمع سرمايه در آن ها به ميزان عظيمى رسیده بود. در کشورهاى پيشرو «سرمايه ي اضافى» عظيمى به وجود آمد.

بديهىست اگر سرمايه دارى مى توانست کشاورزى را که در اين موقع در همه جا به طور فاحشى از صنعت عقب مانده بود بسط دهد و اگر مى توانست سطح زندگى توده هاى اهالى را که در همه جا با وجود ترقيات سرگيجه آور تکنیک در حال

نیمه ی گرسنگی و فقر به سر می برند ارتقاء دهد، آن گاه از سرمایه ی اضافی سخنی هم نمی توانست در میان باشد. این «برهان» را منقدین خرده بورژوازی سرمایه داری نیز چپ و راست به میان می کشند. ولی در چنین صورتی سرمایه داری دیگر سرمایه داری نبود، زیرا هم ناموزونی تکامل و هم زندگی نیمه گرسنه ی توده ها از شرایط اساسی و ناگزیر و از موجبات این طرز تولید است. مادامی که سرمایه داری به حالت سرمایه داری باقیست سرمایه ی اضافی به مصرف ارتقاء سطح زندگی توده های کشور معین نرسیده (زیرا این امر موجب تنزل سود سرمایه داران می شد) بلکه به مصرف ترقی سود از طریق صدور سرمایه به خارجه یعنی به کشورهای عقب مانده خواهد رسید. در این کشورهای عقب مانده سطح سود معمولاً بالاست زیرا سرمایه ها اندک است، بهای زمین نسبتاً نازل است و سطح دستمزد پائین است و مواد خام ارزان است. آن چه امکان صدور سرمایه را فراهم می سازد این است که یک سلسله از کشورهای عقب مانده اکنون دیگر به دایره ی سرمایه داری جهانی داخل شده اند، خطوط عمده ی راه آهن در آن ها احداث گردیده و یا شروع به احداث شده و موجبات اولیه برای تکامل صنعت فراهم گردیده است و غیره و غیره. آن چه ضرورت صدور سرمایه را به وجود می آورد این است که سرمایه داری در معدودی از کشورها «بیش از حد نضج یافته» و عرصه به کار انداختن سرمایه ی «سودآور» (در شرایط عقب ماندگی کشاورزی و فقر توده ها) تنگ شده است.

اینک آمار تقریبی درباره ی میزان سرمایه ای که سه کشور عمده در خارجه به

کار انداخته اند\*:

---

\*- (Hobson: „Imperialism“ L. ۱۹۰۲, p. ۵۸) (هوبسن: «امپریالیزم»).  
 مترجم (Riesser)، اثر \_\_\_\_\_ امبرده، ص- ۳۹۵ و ۴۰۴؛ (P. Arndt) در  
 «Weltwirtschaftliches Archiv» Bd. ۷. ۱۹۱۶ S. ۳۵)، (نگارش پ. ارندت در  
 «آرشیو اقتصاد جهانی»، جلد ۷، سال ۱۹۱۶، ص- ۳۵. مترجم)؛ (Bulletin) در  
 (Neymarck) (نگارش نیمارک در بولتن. مترجم)؛ هیلفردینگ: سرمایه مالی، ص- ۴۹۲؛  
 (Lloyd-George) (للوید جرج. مترجم)، نطق در مجلس عوام در تاریخ ۴ ماه مه سال ۱۹۱۵،

سرمایه ای که در خارجه به کار انداخته شده  
(به میلیارد فرانک)

سال	انگلیس	فرانسه	آلمان
۱۸۶۲	۳/۶	-	-
۱۸۷۲	۱۵	۱۰ (۱۸۶۹)	-
۱۸۸۲	۲۲	۱۵ (۱۸۸۰)	؟
۱۸۹۳	۴۲	۲۰ (۱۸۹۰)	؟
۱۹۰۲	۶۲	۲۷ - ۳۷	۱۲/۵
۱۹۱۴	۷۵ - ۱۰۰	۶۰	۴۴

از روی این جدول مشاهده می کنیم صدور سرمایه فقط در آغاز قرن بیستم توسعه ی عظیمی یافته است. پیش از جنگ سرمایه ای که سه کشور عمده در خارجه به کار انداخته بودند به ۱۷۵-۲۰۰ میلیارد فرانک می رسید. سود حاصل از این مبلغ با نرخ نازل ۵ درصد، سالیانه می بایستی به ۸-۱۰ میلیارد فرانک در سال بالغ گردد و این خود اساس محکمی است برای ستم گری امپریالیستی و استثمار اکثریت ملل و کشورهای جهان و طفیلی گری سرمایه داری مشتئی از غنی ترین دولت ها! و اما این که سرمایه که در خارجه به کار انداخته شده چگونه بین کشورهای مختلف تقسیم می شود و در کجا به کار انداخته شده بررسی است که فقط به طور

B. Harms: „Probleme der (Dily Telegraph)، به تاریخ ۵ مه سال ۱۹۱۵؛ S. ۲۳۵. ۱۹۱۲. Jena (Weltwirtschaft) و صفحه ی دیگر (ب. هارمس: «مسائل اقتصاد جهانی»، ینا، سال ۱۹۱۲، ص-۲۳۵ و صفحه ی دیگر. -مترجم)؛ Dr. Siegmund Schilder: „Entwicklungstendenzen der Weitwirtschaft“ Berlin ۱۹۱۲. Band (I, S. ۱۵۰) (دکتر زیگموند شیلدر: «تمایلات تکامل اقتصاد جهانی»، برلن. -مترجم)؛ George Paish: „Journal of the (Royal Statistical Society“، vol. LXXIV. (جرج پیش: «سرمایه گذاری بریتانیای کبیر و غیره» در «مجله ی انجمن پادشاهی آمار بریتانیا»، جلد ۷۴، ۱۹۱۰-۱۹۱۱، ص-۱۶۷ و صفحات بعدی. -مترجم)، Georges Diouritch: „L’Expansion des banques allemandes l’etranger, ses rapports avec le développement économique de (l’Allemagne P. ۱۹۰۹, p. ۸۴) (جرج دیوریچ: «توسعه طلبی بانک های آلمان در خارجه به مناسبت تکامل اقتصادی آلمان» پاریس. -مترجم).

تقریب می توان به آن پاسخ داد ولی این پاسخ به هر حال می تواند برخی از مناسبات متقابل و روابط عمومی امپریالیزم کنونی را روشن سازد:

قاره های جهان که سرمایه های خارجی میان آن ها

(به طور تقریب) تقسیم شده است

(در حدود سال ۱۹۱۰)

(به میلیارد مارک)

انگلستان	فرانسه	آلمان	جمعاً
۴	۲۳	۱۸	۴۵
۳۷	۴	۱۰	۵۱
۲۹	۸	۷	۴۴
۷۰	۳۵	۳۵	۱۴۰

در سرمایه گذاری خارجی انگلستان، مستعمرات آن مقام اول را احراز می کند. این مستعمرات حتی در آمریکا نیز بسیار عظیم است (مثلاً کانادا) و البته در آسیا و غیره که دیگر جای خود دارد. میزان عظیم صدور سرمایه در این کشور با مستعمرات عظیمی که درباره ی اهمیت آن برای امپریالیزم بعداً هم صحبت خواهیم کرد، ارتباط محکم تری دارد. در فرانسه وضع بر منوال دیگریست. این جا سرمایه ی خارجی به طور عمده در اروپا و مقدم بر همه در روسیه (دست کم ده میلیارد فرانک) به کار انداخته شده، ضمناً این سرمایه به طور عمده عبارتست از سرمایه ی استقراضی، و وام های دولتی، نه سرمایه ای که در بنگاه های صنعتی به کار رفته باشد. امپریالیزم فرانسه را برخلاف امپریالیزم مستعمراتی انگلستان می توان امپریالیزم تنزیل بگیر نامید. در آلمان نوع سومی مشاهده می شود: مستعمرات آن وسیع نیست و سرمایه ای را که در خارجه به کار انداخته بین اروپا و آمریکا به طور کاملاً موزونی تقسیم شده است.

صدور سرمایه به کشورهای دیگر در تکامل سرمایه داری آن ها تأثیر بخشیده و بسی بر سرعت این تکامل می افزاید. بدین جهت اگر این عمل صدور سرمایه تا اندازه ای در کشورهای صادرکننده مختصر وقفه ای ایجاد می کند، در عوض موجبات بسط دامنه ی تکامل روزافزون سرمایه داری را در تمام جهان فراهم ساخته و بر عمق این تکامل می افزاید.

برای کشورهای صادرکننده ی سرمایه امکان تحصیل «منافع» معینی که چگونگی آن، خصوصیت ویژه دوران سرمایه ی مالی و انحصارها را مشخص می سازد- تقریباً همیشه وجود دارد. مثلاً ببینید مجله ی «بانک» چاپ برلن در اکتبر سال ۱۹۱۳ در این باره چه می نویسد:

«از چندی پیش در بازار بین المللی سرمایه ها کمدهی مخصوصی بازی می شود که وصف آن برازنده ی خامه ی آریستوفان است. یک سلسله از کشورهای بیگانه از اسپانیا گرفته تا بالکان، از روسیه گرفته تا آرژانتین و برزیل و چین آشکارا یا پنهانی از بازارهای بزرگ پول، مطالبه وام می نمایند و گاهی در این موضوع بی اندازه اصرار و ابرام می ورزند. بازارهای پول اکنون وضع چندان درخشانی ندارند و دورنمای سیاسی هم نشاط آور نیست ولی هیچ یک از بازارهای پولی جرئت نمی کند از دادن وام امتناع ورزد. زیرا می ترسد همسایه بر او سبقت جوید و با دادن وام موافقت نماید و بدین طریق خدمت معینی را در ازاء خدمت انجام شده برای خود تأمین کند. در یک چنین معاملات بین المللی تقریباً همیشه چیزی نصیب وام دهنده می شود: از قبیل دریافت گذشت در قرارداد بازرگانی، تحصیل اجازه برای احداث پایگاه های زغال، ساختمان بندر، دریافت امتیازات پر مداخل و سفارشات تهیه توپ»\*.

سرمایه مالی دوران انحصارها را به وجود آورده است. و انحصارها در همه جا اصول انحصاری را با خود همراه دارند: استفاده از «ارتباط ها» برای انجام یک

\* - ۱۰۲۴، P. ۲، ۱۹۱۳، «Die Bank»

معامله‌ی سودمند جایگزین رقابت در بازار آزاد می‌شود. متداول‌تر از همه این است که هنگام دادن وام شرط می‌کنند قسمت معینی از آن به مصرف خرید محصولات برسد که در کشور اعتباردهنده تولید می‌شود، به ویژه خرید تسلیحات و کشتی و غیره. فرانسه طی بیست سال اخیر (۱۸۹۰-۱۹۱۰) به کرات به این وسیله دست زده است. صدور سرمایه به خارج وسیله‌ی تشویق صدور کالا به خارج می‌گردد. معاملات بین‌بنگاه‌های بسیار بزرگ در این مورد طوری است که همان‌طور که شیلدر\* به‌طور «ملایمی» بیان نموده با «ارتش‌ها هم مرز است». اروپا در آلمان، شنیدر در فرانسه، آرمسترونگ در انگلستان- نمونه‌هایی از این بنگاه‌ها هستند که با بانک‌های عظیم و دولت ارتباط محکمی دارند و هنگام عقد قرارداد وام «نادیده گرفتن» آن‌ها آسان نیست.

فرانسه هنگام دادن وام به روسیه، ضمن قرارداد بازرگانی مورخه‌ی ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۰۵ این کشور را «تحت فشار قرار داد» و تا سال ۱۹۱۷ گذشت‌های معینی برای خود تحصیل نمود؛ در قرارداد بازرگانی مورخه‌ی ۱۹ اوت سال ۱۹۱۱ با ژاپن نیز همین معامله را کرد. جنگ گمرکی اتریش با صربستان که با یک فاصله ۷ ماهه از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ ادامه داشت تا اندازه‌ای نتیجه‌ی رقابت اتریش و فرانسه در مورد فروش ساز و برگ جنگی به صربستان بود. پل دشانل در ژانویه سال ۱۹۱۲ در مجلس نمایندگان اظهار داشت که بنگاه‌های فرانسه طی سال‌های ۱۹۰۸-۱۹۱۱ به مبلغ ۴۵ میلیون فرانک مهمات جنگی به صربستان تحویل دادند.

در گزارش کنسول اتریش- هنگری در ساتو پانولو (برزیل) ذکر شده است: «قسمت اعظم ساختمان راه آهن‌های برزیل با سرمایه‌های فرانسوی، بلژیکی و بریتانیایی و آلمانی انجام می‌گیرد؛ این کشورها در معاملات مالی مربوط به ساختمان راه‌ها شرط می‌کنند مصالح ساختمانی راه آهن از آن‌ها خریداری شود».

\* Schilder، اثر نام برده، ص- ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۷۱.

بدین طریق می توان گفت سرمایه ی مالی دام خود را به تمام معنی کلمه در سراسر کشورهای جهان می گستراند. در این مورد بانک هانی که در مستعمرات تأسیس می شوند و شعب آن ها، نقش بزرگی را ایفاء می نمایند. امپریالیست های آلمان به کشورهای مستعمراتی «کهنسالی» که خود را به ویژه از این لحاظ با «احراز موفقیت» خاصی تأمین کرده اند با غبطه می نگرند؛ انگلستان در سال ۱۹۰۴ دارای ۵۰ بانک مستعمراتی با ۲۲۷۹ شعبه بود (در سال ۱۹۱۰: ۷۲ با ۵۴۴۹ شعبه)؛ فرانسه - ۲۰ با ۱۳۶ شعبه؛ هلند- ۱۶ با ۶۸ شعبه ولی آلمان «فقط و فقط» ۱۳ با ۷۰ شعبه\*<sup>۲۰</sup>. سرمایه داران آمریکائی نیز به نوبه ی خود به سرمایه داران انگلیسی و آمریکائی رشک می برند. در سال ۱۹۱۵ آن ها شکایت می کردند: «در آمریکای جنوبی ۵ بانک آلمانی دارای ۴۰ شعبه و ۵ بانک انگلیسی دارای ۷۰ شعبه است... انگلستان و آلمان در ۲۵ سال اخیر در آرژانتین و برزیل و اوروگوئه تقریباً ۴ بیلیون (میلیارد) دلار سرمایه به کار انداخته اند و در نتیجه از ۴۶ درصد تمام بازرگانی این سه کشور استفاده می کنند»<sup>۲۱</sup>.

کشورهای صادرکننده ی سرمایه، جهان را، به معنای مجازی کلمه، بین خود تقسیم کردند. ولی سرمایه ی مالی به معنای حقیقی کلمه، جهان را تقسیم نموده است.

منبع: منتخب آثار تک جلدی لنین صفحه ی ۳۹۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵

\*\*- Riesser، کتاب نام برده، ص- ۳۷۵، چاپ چهارم و Diouritch، ص- ۲۸۳.  
 \* - (The Annals of the American Academy of Political and Social science (vol. LIX, May ۱۹۱۵, p.۳۰۱) «سالنامه های فرهنگستان علوم سیاسی و اجتماعی آمریکا»، جلد ۵۹، ماه مه سال ۱۹۱۵-مترجم) در صفحه ی ۳۳۱ همین جلد ما می خواهیم که Paish (پیش) آماردان مشهور در آخرین شماره ی مجله مالی Statist مبلغ سرمایه ای را که توسط انگلستان، آلمان، فرانسه، بلژیک و هلند صادر شده است به ۴۰ میلیارد دلار، یعنی ۲۰۰ میلیارد فرانک، تخمین زده است.